ΛΓ

بسم الله الرحمن الرحیم و به نستعین

شرایط وضو چند چیز است اول اباحهٔ آب دوم مطلق آب سیم پاک بودن آب
چهارم پاک بودن مواضع وضو پنجم وسعت داشتن وقت از برای او و نماز بتفصیلی
که در مقامش مذکور است ششم قدرت بر استعمال آب شرعا یعنی که امر منعی در
شریعت بر او مترتب نشود و آن استعمال حرام نباشد شرعا مثل غصب هفتم اجزاء وضو را
بعمل شرعی بداند هشتم باید عمل از روی قصد باشد نهم باید قصد قربت باشد دهم باید
چیزی از غیر قربت را بدان ضم نکند یازدهم بودن تقرب تقرب بهاء وضو دوازدهم زیاد و
نکردن اجزاء وضو و کم نکردن آن سیزدهم استمرار قصد فعل معین لله تعالی بالفعل
تا آخر وضو چهاردهم تخییر در قصد قربت پانزدهم اباحهٔ مکان علی الاحتیاط و فتوای بر جواز است
بتفصیلی که در جایش مذکور است شانزدهم در نظر داشتن غایت الغایات در اجزاء وضو است
یکی از اجزاء آن رو شستن است و آن چند چیز دارد اول جاری ساختن آب در حال
اختیار از رستنگاه مو تا طرف ذقن در طول و در عرض آن قدر که انگشت ابهام و وسطی
برسد و این حد در مستوی الخلقه است اما غیر ایشان پس رجوع بایشان میکند و اول جزء بالا
کافی است دوم شستن اعلی با سفل که شروع کردن باعلی کفایت میکند سیم رساندن

به بشره اگر ظاهر باشد در جمیع اوقات یا بعضی اوقات و بموهای تنک اینقدر یکه از حدّ مذکور
خارج نیست والّا شستن سطح ظاهر مو کافی است دویم از اجزاء آن بازو شستن است
و در آن نیز چند جزء است اوّل جاری ساختن آب از مرفق تا سر انگشتان که نفس مرفق نیز
داخل باشد در حال اختیار و اوّل جریان کافی است دویم شستن از اعلی باسفل که بشروع
کردن با آن حاصل میشود سیم رسانیدن آب به بشره و موئیکه از دست محسوب می شود
سیم از اجزاء وضو مسح سر است و در آن نیز چند جزء است اوّل باید پیش سر باشد و مسمّی کافی
است دویم از اعلی باسفل سیم متأثّر شدن محلّ چهارم رسانیدن تری بپوست با انتفای
حایل اگر مو نباشد والّا بر موئیکه مخصوص بمحلّ است که بکشیدن از حدّ خارج نشود چهارم
از اجزاء وضو است مسح پشت پاها است از سر انگشتان تا کعب که نفس کعب نیز داخل باشد
و در عرض مسمّی کافی است و در آن چند جزء است اوّل رسانیدن تری بظاهر آن بدون
حائل دویم متأثّر شدن محلّ سیم از سر انگشتان با قبّه رفتن و استحبابا پنجم از اجزاء وضو ترتیب است
بنحویکه اوّل رو را بشوید دویم بازوی راست را بشوید سیم بازوی چپ را چهارم مسح سر را
بجا آرد پنجم مسح پای راست ششم از اجزاء وه پای چپ را بجا آرد و ششم از اجزاء وضو
موالات است بانمعنیکه باید پیش از آنکه خشک شود همه اعضای سابق شروع در لاحق کند

بدانکه

بدانکه واجب است مباشرت در وضو در حال اختیار کلاً یا بعضاً و واجب است که مسح
و یا با بتری وضو باشد و واجب است که باکف دست ... باشد و نبودن این ... جزء جزء وضو با شرط
آن تأمل است اگر به نیت مطلوبیت بجا آرد کافی است و هم چنین است حال نیت در عبادات
کلّش موانع وضو چند چیز است اول خروج بول دوم خروج غایط سیم خواب که بر چشم و گوش غلبه کند
چهارم مستی پنجم بیهوشی ششم دیوانگی هفتم بیرون آمدن باد از مواضع معتاد هشتم استحاضه
قلیله و کثیره و متوسطه نهم جنابت خواه با انزال باشد یا دخال قدر حشفه یا نفس حشفه
دهم حیض یازدهم نفاس دوازدهم مس میّت شرایط غسل مثل شرایط وضو است اجزاء غسل ترتیبی
اول شستن سر و گردن است و در آن چند جزء است اول رسانیدن آب به بشره مطلقا
دوم جریان در حال اختیار جزء دوم شستن پهلوی راست است که جزء آن مثل اجزاء سر است
جزء سیم شستن پهلوی چپ کذالک جزء چهارم ترتیب بنحو مذکور بدانکه ترتیب در نفس اعضای
ثلثه غسل در میان نیست وجوباً یعنی که ابتدا باعلی کند و باسفل بیاید لکن احوط است
دست کشیدن و شستن مو لازم نیست مگر من باب المقدّمه لکن احوط شستن مو است
شرایط تیمّم اول اسبابیکه در مبحث تیمّم بتفصیل مذکور است دوم طهارت محل ضرب بتفصیل
مذکور در مقامش سیم طهارت خاک کذالک سایر شرایط تیمّم مثل شرایط وضو است

اجزا تیمم و آن چند جزء است اول ضرب دست است در آن چند جزء است اول بودن ضرب

بدو دست پس یکدست کافی نیست دوم بودن ضرب بدو دست باهم دفعهٔ واحدهٔ عرفیه

سیم وقوع ضرب بر آنچه تیمم بآن صدق میکند مثل تراب و سنگ و نحو آن بدون حائل چهارم

بودن ضرب قوة پنجم بودن ضرب بباطن هر دو دست در حال اختیار ششم پهن کردن

دستها حین زدن هفتم بودن ضرب بمجموع باطن دستها هشتم رسیدن بمجموع باطن

دستها حتی نه تقدیر ادوم مسح پیشانی است و در آن اول مسح تمام پیشانی است از نیز چند جزء است

رستنگاه موست تا بطرف اعلای بینی و زائد برین لازم نیست علی الاقوی و احوط جبین

و حاجبین است دوم بودن مسح بباطن کف سیم بودن مسح از اعلی باسفل چهارم

استیعاب ممسوح نه ماسح پنجم مراعات کردن معیت مسح بدو دست ششم رسیدن

بمسح به بشره پیشانی بدون حائل هفتم بودن آن بهر دو دست سیم مسح پشت دست

راست است و در آن نیز چند جزء است اول از زند تا بطرف انگشتان دوم استیعاب

عرفی ممسوح نه ماسح سیم واقع شدن مسح به بشره دست چهارم بودن مسح بکف دست

چپ در حال اختیار پنجم وقوع مسح بر پشت دست راست ششم بودن آن از زند

تا بطرف انگشتان دون عکس چهارم مسح پشت دست چپ کذالک پنجم ترتیب در اجزاء

بنحو مذکور

بنحو مذکور ششم موالات عرفیه است هفتم مباشرت بنفسه و در اینجا اگر همین قدر مسح کند که این
فعل از من مطلوب است دون غیر و تمام اینها از برای خدا بجا آرم کافی است موانع تیمم اول
وجود آب با تمکن بر استعمال آن فی الجمله شرعا و دیگر موانع مثل موانع وضو است شرایط نماز
اول طهارت از حدث دوم طهارت بدن از خبث مگر آن صورتیکه استثنا شد سیم
طهارت لباس از خبث کذلک چهارم اباحهٔ لباس پنجم اباحهٔ مکان ششم طهارت سطح و محل
به جبهه مطلقا و ما بقی اگر متعدیه است و الا فلا هفتم ستر عورت هشتم دخول وقت هر یک
از نمازهای معروفه آن نهم استقبال قبله و معرفت آن دهم بودن سجده بما یصح السجود علیه یازدهم
معرفهٔ اجزاء نماز بعلم شرعی دوازدهم نبودن لباس از اجزاء حیوان حرام گوشت سیزدهم همراه نداشتن
مصلی از اجزاء حیوان حرام گوشت را بتفصیل مذکور در جایش چهاردهم حریر نبودن و در لباس
مردان و زری نبودن آن کذلک بتفصیلی که در مقامش مذکور است پانزدهم نبودن لباس
از پوست مردار و نحو آن کذلک شانزدهم بودن عمل از برای فعل معین هفدهم بودن داعی قصد قربة
و بس هجدهم بودن تقرب تقرب بهمین نماز نوزدهم کم و زیاد نکردن اجزاء نماز و اجزاء اجزای
نماز بیستم بودن قصد قربة به تخییر نه تعلیقی بیست و یکم استمرار قصد و ما بعد آن اجزاء نماز اول
تکبیرة الاحرام است و در آن چند چیز است اول ترتیب میان حروف و کلمات دوم موالات

میان حروف و کلمات سیم ادا شدن حروف از مخارج حفظاً خواندن چهارم حفظ خواندن پنجم
عربیت بنحویکه مراعات و تشدید و اعراب و غیر آن لازم شود و فارسی و زبان دیگر نباشد
ششم تلفظ بنحویکه خود بشنود که امتیاز بیابد حدیث نفس هفتم صورت معروفه و جزء مستحب
نماز و درین مقام چند جزء است اول شش تکبیر قبل از تکبیرة الاحرام و تأخیر و تلفیق نیز جایز است
دویم ادعیهٔ مأثوره بین تکبیرات دویم قیام است و در آن نیز چند جزء است اول بنحویکه استقلال
بنحویکه اگر آن چیزرا بردارند نیفتد دویم استقرار سیم اعتماد بهردو پا چهارم انتصاب بنحویکه
فقرهای پشت راست بایستد پنجم الیساوی بنحو متعارف و این قیام واجب مواضع
جزء واجب جزء نماز است اول بقدر تکبیرة الاحرام رکن است دویم بقدر قرائت حمد و سوره
واجب سیم متصل برکوع است چهارم بعد از رکوع واجب و در چند موضع جزء مستحب است
اول در استعاذه دویم در مسئول کردن از رحمت خدا و در بین حمد و سوره سیم در قنوت
چهارم در حال طمأنینه در قیام که لازم است بعمل نیاید پنجم در تکبیرات افتتاح ششم در تکبیر قبل از
رکوع این قیام واجب است از جهتی و مستحب است از جهة دیگر هفتم در تکبیر قبل از سجدتین
هشتم در تکبیر قبل از قنوت نهم در ادعیهٔ تکبیرات افتتاح سیم قرائت حمد و سوره است
و در آن چند جزء است اول مراعات مدّ متصل دویم وقف بسکون و وصل بحرکت یا سکون

بانمعنیکه عربیت صحیحه که مشترک میان ثلثه است جزء است سیم جهر و جهریه و اخفات در
اخفاتیه از برای مردان و از برای زنان بلفظیه بنحو مذکور چهارم ترتیب میان کلمات
آیات شان پنجم ترتیب میان خود شان ششم موالات میان آیات شان هفتم مراعات
نظم و باقی آنچه در تکبیره جزء بود اینجا نیز است و اجزاء مستحبه نماز در نیمقام چند جزء است
استعاذه قبل از آیات ان در رکعت اول دوم مراعات کردن محسنات قرائت که لازم
نیست بدانکه در رکعت سیم و چهارم تخییر شرعی ثابت میان حمد و تسبیح اربعه و ثانی مثل اول
در اجزاء الا انکه بعلت انتفاء ان چهارم رکوع است و در آن چند جزء است آنچه در قیام
بود الا انتصاب که انحنا بقدریکه سر انگشتان بر زانوها برسد جزء نیست و اجزاء واجبه نماز
در نیمقام سوای مذکورات چند جزء است اول بودن مستقر ابقدر ذکر واجب دوم ذکر
مخصوص که تسبیح صغری سه دفعه و کبری یکدفعه و میان شان تخییر شرعی ثابت است و در این
ذکر جزء است هرچه در تکبیر بود سیم رفع رأس تا بحد انتصاب برسد چهارم قیام بعد از
انتصاب پنجم طمأنینه در قیام بعد از انتصاب و مستحب کافی است و جزء است در این قیام
آنچه در قیام گذشت و اجزاء مستحبه نماز در نیمقام چند جزء است اول صلوات بر پیغمبر و آل
در رکوع دوم ذکر علاوه بر قدر واجب سیم تکبیر قبل از آن چهارم سمع الله پنجم دفع یدین

بر رکبه ششم خم شدن تا اینکه قدری از راحت کف بر زانو تا برسد و مستحبات در ین مقام
بسیار است که در جایش مسطور است پنجم سجود است و در آن نیز چند چیز است اول
گذاشتن هفت موضع که جبهه و دو کف و دو زانو و دو سر انگشتان ابهام باشد
بر زمین و نحو آن دوم اعتماد و تکیه کردن بر اعضای معروفه سیوم آرام گرفتن چهارم
بودن آرامی بقدر ذکر واجب پنجم گذاشتن جبهه بر ما یصح السجود ششم بودن سجده
بر سجدگاه که از موقف بقدر چهار انگشت مضمومه زیاد تر نباشد هفتم ذکر صغیر سه
دفعه و کبیر یکدفعه مثل ذکر رکوع است مگر اینکه بر آنجا سبحان ربی العظیم و بحمده است
و اینجا سبحان ربی الاعلی و بحمده است و بعد از سجود چند چیز واجب است اول رفع راس
تا آنکه راست بنشیند دوم نشستن بعد از رفع سیوم طمأنینه و مسمی کافی است
و در ین قعود جزء است آنچه در قعود میآید و اجزاء مستحبه در ینمقام چند چیز است
اول صلوات بر پیغمبر و آلش خواه قبل از ذکر باشد یا بعد از آن دوم ذکر علاوه بر قدر
واجب سیم استغفار بین سجدتین چهارم تکبیر قبل از سجدتین پنجم تکبیر بعد از سجده
اول ششم تکبیر قبل از سجده ثانی هفتم تکبیر بعد از سجده ثانی و سایر مستحبات در
جایش مسطور است ششم تشهد است و در آن نیز چند چیز است اول نشستن و در آن

جزء نیست آنچه در قعود میآید دویم شهادتین که اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک

له واشهد ان محمدا عبده ورسوله باشد ومطلق شهادتین کافی نیست سیم

صلوات بر پیغمبر وآلش بهر صیغه که باشد چهارم جزء است در صلوة وشهادتین آنچه در حمد

وسوره جزء بود الا مد بعلت انتفاء آن وجزء مستحب نماز در ینمقام ادعیه تشهد که قبل از آن

وبعد از آن وارد شده وسایر آنچه در جایش ذکر شده هفتم سلام است ودر آن نیز

چند جزء است اول نشستن مثل تشهد دویم السلام علینا وعلی عباد الله الصالحین

یا السلام علیکم تخییر اگر عیا سیم آنچه در تکبیره جزء بود اینجا نیز هست وجزء مستحب نماز در

این مقام سلام مستحب است موالات نماز را از اول نماز تا آخر آن جزء است واخلال بآن مبطل

اما قرائت پس از تکبیرة الاحرام حکم ندارد ولکن از حمد به سوره واز سوره برکوع وقنوت

در ذکر واجب رکوع قرائت لازم واز واجب مستحب قرائت اوسط ومیان کلمات مستحب

قرائت اوسط در فقرات مستحب ذکر رکوع قرائت ذکر سجود مثل ذکر رکوع است در هر یک

از فقرات تشهد قرائت لازم واز فقره بفقره قرائت اوسط میان کلمات سلام واجب

قرائت لازم ودر کلمات مستحب در تسبیحات اربعه ودر هر یک از کلمات آن قرائت لازم

ودر میان فقرات قرائت اوسط از سلام واجب بسلام مستحب واز مستحب بواجب نمازی

فقط قعود واجب و مستحب در آن چند چیز است استقلال بنحویکه اگر آن چیز را بردارند
نیفتد استقرار انتصاب نشستن که صدق عرفی داشته باشد بلا تکیه
قعود در چند جا جزء مستحبی نماز است در تکبیره بعد از سجدهٔ اول اگر در حال قعود
واجب بعمل نیاید در حال استغفار در تکبیر قبل از سجدهٔ ثانی در ادعیه
تشهد که مستحب است در سلام مستحب افعال مستحبه در نماز و آن چند چیز است
رفع یدین در کل تکبیرات رفع آن تا به نرمهٔ گوش بنحویکه در مقابل ذکر
شود رفع یدین در قنوت نگه داشتن یدین بطریقی که شکم آنها بسمت
آسمان و پشت آنها بسمت زمین باشد و مواجهه رو باشد بودن نظرش
در کل قیام بسجده بودن نظرش در حال رکوع بمیان دو پایش بودن
نظرش در حال سجود بطرف بینیش بودن نظرش در حال جلوس و تشهد
بکنارش بودن نظرش در حال قنوت بسجده یا بکف دستها وضع یدین
در جلوس و تشهد به رانها بسمت قبله وضع یدین در حال قیام بر رانها بسمت
قبله وضع یدین بر زمین برابر رو بسمت قبله در سجود تورک در جلوس
و مستحبات نماز بسیار است که در جایش ذکر شد مقدمات حرفه نماز یعنی چیزهائیکه مقدمه اند

انتزاع چیز دیگر و خود شان مطلوب نیستند و آن چند چیز است اول قیام قبل از تکبیرة الاحرام تا علم بهم رسد که تکبیره در قیام واقع شد دوم هوی از برای رکوع سیم هوی از برای سجود چهارم هوی از برای سجدهٔ ثانیه پنجم رفع رأس از رکوع تا نماز آیات غیر از پنجم ودوم ششم رفع رأس از سجدهٔ ثانیه هفتم نهوض از برای رکعت بعد از آن هشتم قرار دادن دستها بعد از رفع در تکبیرات از برای چیزی که بعد از آن است مقدمات غیر صرفه یعنی چیزها ئیکه خود شان اجزای مطلوبه اند و شرایط اجزاء مطلوبه دیگر اند و آن چند چیز است اول قیام در حال تکبیرة الاحرام و سایر تکبیرات افتتاحیه دوم قیام در حال حمد و سوره و مستحبات آن سیم بودن بحالت رکوع وطمانینه در آن نسبت بذکر واجب و مستحبات آن چهارم بودن بحالت قیام وطمانینه در آن از برای سمع الله و تحمید پنجم بودن بحالت سجود وطمانینه در آن از برای ذکر واجب و مستحبات ششم بودن بحالت جلوس میان دو سجده وطمانینه در آن از برای استغفار هفتم قعود در حال تشهد و سلام از برای تشهد و سلام و مستحبات آنها هشتم قیام در حال تکبیر قبل از رکوع نهم قیام در حال تکبیر قبل از سجده یا دهم قعود در حال تکبیر بعد از سجدهٔ اول یازدهم قعود در حال تکبیر قبل از سجدهٔ ثانیه دوازدهم قعود در حال تکبیر

بعد از سجدهٔ ثانی مجملاً هر حالتی از نماز مثل ایستادن و نشستن و بودن بر حالت رکوع
و بخواندن که در آن واجبات و مستحبات ادای شود نسبت با نهاها شرط صحت می‌باشند
و در حالت واجب واجب و مستحب مستحب اند موانع نماز و آن چند چیز است
اول نواقض طهارت دوم اخلال باجزاء واجبه غیر رکنی عمداً یا زیاد کردن آن عمداً
سیم اخلال باجزاء واجبه رکنی عمداً و سهواً و کم و زیاد کردن آن چهارم اخلال بطهارات
ثلثه عمداً و سهواً پنجم تکفیر عمداً دون سهو ششم تکلم بدو حرف یا ازید که خارج
از نماز باشد عمداً دون سهو و تکلم بیک حرف مفهم معنی نیز مبطل است مثل ق
هفتم استدبار قبله عمداً اما سهواً اگر باعث این شود که تمام بدن از قبله برگردد
ضرر ندارد والا حکمش در مبحث قبله است هشتم فعل کثیر عمداً یا سهواً اگر ماحی است
صورت نماز را والاصح نهم قهقهه است عمداً اما سهواً اگر فراموش کند که در نماز است
صحیح و اگر حکم را فراموش کند ظاهر فساد است دهم گریستن از برای امور دنیوی عمداً
مطلقاً خواه باواز باشد یا نه دون سهو یازدهم خوردن و آشامیدن عمداً و اما
سهواً اگر ماحی است مفسد والا

فلا تمام

مدح

الهی بحق رسول ابطحی — شفیع امم و خاتم المرسلین
الهی بحق علی و ولی — شجاع [illegible] فاضل [illegible]
الهی بسوز دل فاطمه — بحق شهیدان آن نور عین
الهی بحق دل چاک چاک حسن — که لخت جگر بخت [illegible]
الهی بحق [illegible] — این زنگ [illegible]
الهی بحق حسین شهید — [illegible] دیده و دست [illegible]
جفا دیده و تشنه لب بلا — [illegible]
الهی بحق عابد [illegible] — ملقب شده [illegible]
الهی بحق باقر و شست بلا و محن — هم [illegible] اولین [illegible]
الهی بحق جعفر صادق بود — [illegible] تمام علم و دین
الهی بحق موسی کاظم که صدیق [illegible] — [illegible]
الهی بحق علی بن موسی الرضا — [illegible] المؤمنین
الهی بحق تقی و نقی — [illegible]
الهی بحق [illegible] — [illegible]

الهی بحق همه انبیا که هم طیبین اند و هم طاهرین — بیامرز تمامی اموات ما — بلطف خود ای غافر الذنبین — بلاهای دنیای ما دور کن — بحق تو ای احفظ الحافظین
ببخش گناهان ما سیاه — بفضل خود ای ارحم الراحمین — شفا ده بجمله مریضان ما — بحق تو ای شافع المؤمنین — تو وسعت بده رزق ما جمله را — بحق تو ای ارزق الرازقین

جمیع معاصی [illegible] — [illegible] العالمین
ز اموال کرده و [illegible] — [illegible] احکم الحاکمین
نگهدار [illegible] مومنان — [illegible] ایمان و دین
تو از شر شیطان و نفس دنی — نگهدار ای [illegible] العالمین
تو آن [illegible] نصیب از خدا — [illegible] دم [illegible]
بفضل ای [illegible] — [illegible] بهشت [illegible]
ببخش آبا و اجداد ما — ز اعمام و عمات بنات و بنین
خصوصا پدر و [illegible] — بیامرز ای ارحم الراحمین
بدین بنده [illegible] سیاه — تو [illegible] الاولین
بخوانند مومنان فاتحه — با اخلاص قلب و بصدق [illegible]

تمام

~~۲٤۲۹~~
۲۴۳۰